

آغاز سخن

به یقین آثار به جا مانده از دورانهای گذشته بشری که حاصل بازتابهای اندیشمندانه ذهن و خلاقیت و ابداع و ابتکار وی می‌باشد بارزترین نشانه های تاریخ ساز و اسناد ملموسی هستند که سیر حرکت انسان را در طول زمان توجیه و بمثابه قدرت تحرک و سازندگی و تعالی و رشد جامعه موجود می‌باشند. پس حفظ این آثار و مطالعه و تحقیق و بررسی علمی در جهت شناخت، تبیین و معرفی آنها، عظیم‌ترین سرمایه معنوی و سلاحی است که اگر مورد توجه خاص قرار گیرد به باروری اعتقادات بشری و کسب فضایل اخلاقی و شکوفایی استعدادها می‌انجامد.

نبوغ ذاتی هر ملتی در آثار فرهنگی‌اش جلوه‌گر است. این آثار که با تکیه بر اندیشه سترگ و ولای آن ملت، ابداع و ساخته شده نشان دهنده سیر تکاملی تفکر و فن و آئینه تمام‌نمای تصورات و پندارهای مردمان یک سرزمین است. شناخت، تبیین و تفسیر این آثار فرهنگی یکی از جنبه‌های پژوهشهای باستانشناسی است.

اموال فرهنگی تنها مدارکی هستند که به واسطه آنها می‌توان چگونگی تمدن، آداب و سنن، شیوه‌های تجاری و اقتصادی و نهایتاً روند تحول و سیر تکوین و تکامل انسان را در طول تاریخ مورد شناسایی و تحلیل قرار داد. تا با شناخت و درک نقاط قوت و ضعف تاریخی قادر به بازسازی فرهنگ جامعه و اتصال به ارزشهای گذشته و احراز و تثبیت هویت ملی خود گردیم.

تعریف میراث فرهنگی و قلمرو آن

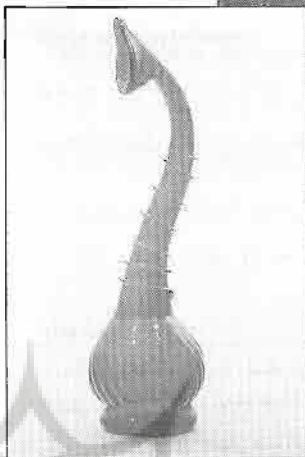
میراث فرهنگی به عنوان زیربنای فرهنگ جامعه، پشتوانه معنویت و موجودیت و شناسنامه و سند هویت ملی هر ملت محسوب و طیفی گسترده دارد که تمامی دستاوردهای انسان را در جریان تاریخ در بر می‌گیرد.

در عرف دستگاه ناظر بر میراث فرهنگی، هر شیئی یا هر کالبدی یا هر زمینهای که نشانی و نمودی از معارف و بینش و هنر و خلاقیت و سیر تکوین تاریخ و زندگی انسان در دوره‌های مختلف تاریخی سرزمین مبدا اثر را در برگرفته باشد اثر است که به هر تقدیر نشانی از ردپای تاریخ را معرفی و بیان می‌کند.

قلمرو میراث فرهنگی بمفهوم آنچه که در اساسنامه سازمان مذکور بیان گردیده کلیه امور پژوهشی، حفظ و احیاء، معرفی و آموزش مرتبط با موضوعات باستانشناسی - مردم شناسی و هنرهای سنتی را تا دوران معاصر شامل می‌شود.

هر اثر دارای دو خصلت ذاتی و فرهنگی است ولو اینکه محصول دوران معاصر باشد و مشتمل بر آثار منقول و غیر منقول به شرح موارد زیر خواهد بود:

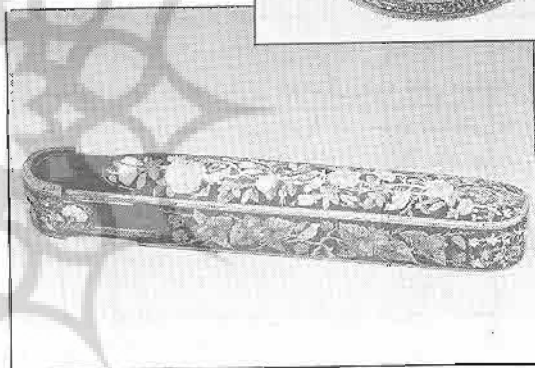
آثار تاریخی، اموال فرهنگی، اشیاء عتیقه خارجی، اموال و آثار هنری - تاریخی، اموال و آثار فرهنگی - تاریخی، آثار هنرهای سنتی،



اشکدان آبگینه، سده سیزدهم ه. ق.، موزه آبگینه



کاسه سفالین میناس، ۵۸۳ ه. ق. موزه آبگینه



قلمدان نقش گل و مرغ، سده ۱۳ ه. ق.

اموال فرهنگی در گستره تاریخ معاصر ایران

علی محمد خلیلیان

آثار فرهنگی، آثار هنری، آثار فرهنگی - هنری خارجی.

۱- آثار تاریخی: بناها و مجموعه‌ها و اماکن و محوطه‌های تاریخی، نگاره‌ها - تندیس‌ها و پیکرها و کتیبه‌ها و نقوش و آذین‌ها و هر عنصر تاریخی دیگر که به آثار متصل یا متکی و یکصد سال و بیشتر از عمر آنها گذشته باشد و آثار واجد شئون ملی و نظایر آنها.

۲- اموال فرهنگی: اموالی است منقول و عبارت از اشیاء تاریخی (عتیقه) که واجد اطلاعات با ارزش تاریخی بوده و یکصد سال و بیشتر از عمر آنها گذشته باشد ولو آنکه به لحاظ ارزش مالی ناچیز جلوه کند و یا از شکل اولیه افتاده باشند مانند اشیاء به دست آمده از حفاریها و هر شیئی که اصطلاحاً به آن "زیر خاکی" می‌گویند.

۳- اشیاء عتیقه خارجی: اشیایی است که در کشور مبدأ شیئی یا در کشور محل کشف و یا در ایران عتیقه شناخته شود.

۴- اموال و آثار هنری - تاریخی: اموالی است که یکصد سال و بیشتر از عمر آنها گذشته باشد مانند انواع خط، تذهیب، نقاشی و هر نوع آثاری از این دست که بر هر زمینه‌ای ساخته شده باشد از قبیل حکاکی - منبت - خانم و انواع دست ساخته‌ها و دست یافته‌های با ارزش هنری.

۵- اموال و آثار فرهنگی - تاریخی: آثاری است که یکصد سال از عمر آنها گذشته باشد مانند کتابهای خطی مصور و کمیاب، نقوش عامیانه - آثار و اموال موضوع مردم شناسی و نظایر آن.

۶- آثار هنرهای سنتی: آثاری است که معرف و موضع هنرهای سنتی و دستی است و دامنه خلق آن تا به امروز کشیده شده است مانند انواع طرحهای قالی و کاشی و گره سازی و غیره.

۷- آثار فرهنگی: آثاریست که بیش از یکصد سال قدمت نداشته باشد مانند نسخ خطی - فرمانها و غیره.

۸- آثار هنری: کلیه آثار هنری که بیش از یکصد سال عمر نداشته باشد مانند هنرهای مردمی و هنر رسمی.

۹- آثار هنری و فرهنگی خارجی: آثاری است که در کشور مبدأ اثر و یا در ایران هنری شناخته شود.

سابقه تاریخی غارت اموال فرهنگی

چپاول و ربودن اشیاء تاریخی و ذخایر هنری که گنجینه افتخارات این مرز و بوم بشمار می‌رود از نسخ خطی و نقاشیها و حجاریها گرفته تا نفیس‌ترین ظروف چینی و سفالی وزین و سیمین و با ارزش‌ترین فرشها و منسوجات قدیمی زربفت و برنزه‌های بی‌همتای لرستان به نوبه خود داستان دراز و خون‌انگیزی دارد.

اشیایی که به طرق مختلف بانابودی هزاران محوطه و بناهای تاریخی و باستانی تحصیل و بالاخره راهی کشورهای بیگانه گردید و امروز موزه‌های بزرگی چون لوور - آرمیتاژ - بریتانیا و متروپولیتن را می‌بینیم که به لحاظ این چپاول، غرقه‌ها و تالارهای متعددی مملو از دستاوردهای هنر ایران را صاحب شده‌اند.

چه بسا مساجد و بناهای تاریخی مهمی که امروز جز چند کاشی به

دیوار و نقشی بر سقف چیز دیگری از آنها باقی نمانده است، و حال آنکه زیباترین شاهکارهای آنها به سرانگشت آرمند سود جویان جدا گردیده و پیکر اصلی را داغدار ساخته‌اند.

قشون کشتی‌های روسیه تزاری در سالهای ۱۲۴۰ تا ۱۲۴۳ شمسی در خطه آذربایجان را به یاد داریم که ذخایر هنری مجموعه تاریخی بقعه شیخ صفی الدین در اردبیل را بدست تاراج دادند و صدها جلد کتاب خطی نفیس به زبانهای فارسی، ترکی و عربی که هر یک از نسخ مادر و نادر بودند همراه با ذیقیمت‌ترین قالی‌ها و چینی‌های گرانبها زینت‌بخش موزه‌های خویش ساخته‌اند.

خارج کردن اشیاء عتیقه یا اموال فرهنگی از ایران منحصر به همین نبوده بلکه گسائی نیز که به دنبال کارهای سیاسی به این کشور می‌آمدند از این خزان یغما بهره‌های وافر می‌گرفتند و گفتار "سرپرسی سایکس" در سفرنامه معروفش (ده هزار مایل در خاک ایران) مؤید این حقیقت است که وی پس از خریداری اشیاء مکشوفه در گورستانی، آنها را حمل و به موزه بریتانیا برد.

باز شدن پای مسافران و جهانگردان خارجی کشورهای اروپایی به ایران آن‌ها را به بخش مهمی از تاریخ و میراث غنی و فرهنگی این سرزمین آشنا ساخت. و این امر در اوایل قرن نوزدهم مصادف با آغاز سلسله قاجاریه در ایران بود به دنبال یک رشته جریانهای سیاسی و اقتصادی، دول استعمارگر ایران را چشم انداز وسیعی جهت اعمال اغراض استعماری یافته و بزودی دانستند که شناخت خصیصه‌های ملی، مذهبی و تاریخی ایران، راه را بر آنان هموارتر خواهد ساخت، لذا با اعزام گروههای نظامی و سیاسی، پژوهندگان و باستانشناسانی را نیز گسیل داشتند که برای نمونه می‌توان از متخصصان فرانسوی دستیار ژنرال گاردان را از مهمترین آنها دانست.

در این میان ویرانه‌های شوش در ایلام کهن که زمانی به نام‌ترین شهرهای جهان باستان بشمار می‌رفت و نامش در تورات از دیرینگی‌ها حکایتی داشت بیش از سایر نقاط ایران توجه کاوش‌گران را به خود جلب کرد و نخستین بار "گفتوس" عضو انگلیسی کمیسیون سرحدی در سال ۱۲۶۷ هجری قمری با دستیاری "مستر چرچیل" و "مستر ویلیام" در خرابه‌های شوش به کاوش پرداخت پس از او "دیولافوای" فرانسوی در سال ۱۳۰۰ هجری قمری بر اثر نوشته‌های "گفتوس" به دستیاری سنیر فرانسه در تهران امتیاز کاوش شوش را از ناصرالدین شاه تحصیل نمود. بعد از "دیولاقوا" "ژاک دومورگان" در سال ۱۳۰۷ تا ۱۳۰۹ هجری قمری در نقاط مختلف ایران به کسب و کاو ادامه داد و در بازگشت خود به فرانسه توجه مقامات دولتی و فرهنگی فرانسه را به عظمت موضوع معطوف نموده که در حقیقت فکر به دست آوردن امتیاز برای غارت اموال فرهنگی ایران از اوست.

بعد از این توطئه شوم در اواخر سلطنت ناصرالدین شاه (۱۳۱۲ هجری) با کوششهای "رنه دوبالوا" وزیر مختار سفیر فوق‌العاده فرانسه مقیم دربار تهران، شاه ایران در ازاء پذیراییهای گرم فرانسویان بهنگام



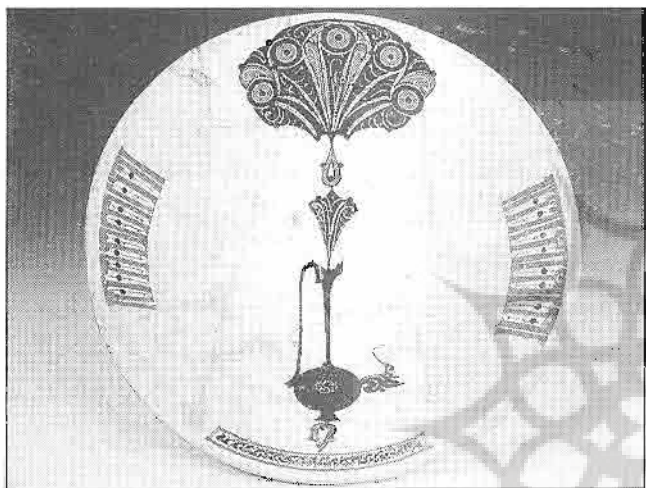
مسافرتهايش به اروپا با اعطای امتیاز به فرانسویان رضایت داد. برای بیان عمق فاجعه کافی است باین مطلب اشاره شود که دو مورگان در نقبهای دالان ماندی که در شوش حفر نموده بود قریب به ۱۲۰۰ نفر کارگر را به کار گرفته بود و پس از هر ۱۸ ماه کار مداوم و مستمر یک بار برای حمل آثار به فرانسه باز می‌گشت.

وی از حاصل اکتشافات خود در پاریس به ایجاد نمایشگاهی دست زد که لوحه پادشاه بابل یکی از پرافتخارترین اسناد تاریخی جهان و یادگار فتوحات ایرانیان در پیروزی بر امپراطوری بابل در میان این آثار بود و هم اکنون یکی از برجسته‌ترین اشیاء موزه "لوور" است.



نراند آنگیز، سده چهارم هجری، نیانورد، موزه آنگیز.

سنن و آداب و رسوم جوامع گذشته در اذهان و افکار اینگونه جوامع به لحاظ پشت پازدن به ارزشهای انسانی، حیات جدیدی را می‌طلبید، در این رهگذر سیاستگزاران جهان غرب وقتی زندگی جوامع خود را با چنین معضلاتی روبرو دیدند برای رفع نیازهای معنوی و اوقات فراغت آنها، مساعی خود را صرف ایجاد مراکزی نمودند تا با آثار فرهنگی کشورهای غیرصنعتی که در عرصه تمدن و فرهنگ جهان صاحب اصالت‌های تاریخی و یا شگفتی‌های رویا برانگیز می‌باشند، بخشی از افکار سرکش و لجام‌گسیخته ملتشان را فروکش سازند. بدین ترتیب ایجاد موزه و اماکن فرهنگی با این تفکر مطمح نظر آنان قرار گرفت و به



سرعت مراکز جلب توریست و تحقیقاتی و پژوهشی جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داد.

ضرورت گسترش موزه‌ها مسئولین را بر آن داشت تا به تحصیل اشیا و اموال فرهنگی پرداخته و برای این منظور از هیچ دسیسه‌ای دریغ نکنند. اعزام هیاتهای علمی در قالب ماموریت‌های سیاسی با اهداف غارت اموال فرهنگی به دربار کشورهای جهان سوم به ویژه کشور ما از جمله این نقشه‌ها محسوب می‌گردد.

رونق بازار عتیقه، تشویق مجموعه داران خارجی به جمع‌آوری اموال فرهنگی، ایجاد امکانات برای عرضه و تقاضای آثار هنری در قالب گالری‌ها، نمایشگاهها و حراج‌های بین‌المللی موجب شد ارزشهای معنوی و علمی آثار فرهنگی تحت تاثیر ارزش اقتصادی قرار گیرد.

بنابراین بازار فروش اموال فرهنگی در غرب عملاً فعال گردید و به لحاظ سودآوری کلان و تقویت بنیه مالی سوداگران، شبکه‌های وسیعی در سرتاسر دنیا تشکیل و با برنامه ریزی مشخص و اهداف از پیش طراحی شده عوامل خود را در کشورهای غارت شده (مالباخته) با دستور کار جمع‌آوری اموال فرهنگی سرگرم نمودند. در این رابطه صهیونیسم بین‌المللی نقش عمده‌ای را بر عهده گرفت که ردپا و اقدامات سوء آنان نیز در بعد داخلی کاملاً محسوس بود.

به موجب آخرین آمار سال ۱۹۷۰ میلادی، ایالات متحده امریکا با حدود ۶۰۰۰ موزه بیشترین و متنوع‌ترین موزه‌ها، فرانسه ۱۱۸۳، اتحاد

فرانسویان تا سال ۱۳۰۶ هجری شمسی همچنان به کشف و انتقال اشیا و اموال نفیس فرهنگی ایران به فرانسه ادامه دادند و پس از آنها انگلیسی‌ها و آمریکایی‌ها در سطح بسیار گسترده از این تاراج و چپاول بی‌بهره نمودند و سرانجام سردمداری و دلالی و واسطه‌گری تاراج اموال فرهنگی، نصیب صهیونیسم جهانی گردید و او نیز بی‌رحمانه و آگاهانه نه تنها به تخریب اعتقادات و فرهنگ جامعه ما پرداخت بلکه با پخش گنج‌نامه و نسخه‌های جعلی توسط اپادی خود و استفاده از جهل روستاییان و رونق بازار عتیقه جهانی و تقویت حراج‌های بین‌المللی موجبات زیور و کردن تپه‌ها و اماکن تاریخی و تخریب آثار معماری و با ارزش کشور ما را فراهم ساخت.

انگیزه و علل قاچاق اموال فرهنگی

موضوع فوق در دو بعد خارجی و داخلی قابل بررسی است که اجمالاً به بیان آن‌ها می‌پردازیم.

(الف) بعد خارجی:

با توجه به سلطه زندگی ماشینی بر جوامع اروپایی و آمریکایی، علیرغم امتیازات زیستی، تشدید ناهنجاریهای روانی و بروز آثار شوم تجمل پرستی که دامنه بسط و گسترش آن به بی‌بندباریها و تلاش در جهت رهایی از اسارت‌های اجتناب‌ناپذیر آن گشته است، میل رجعت به شیوه و

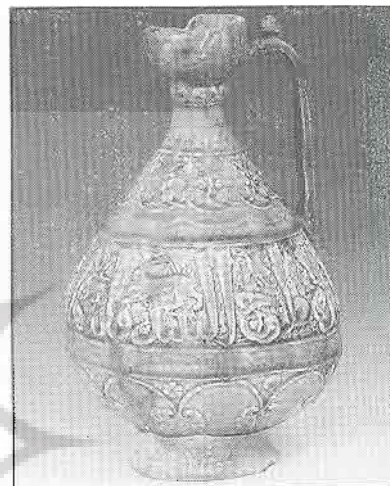


جماهیر شوروی (قبل از فروپاشی) ۱۰۱۲، ایتالیا ۹۷۲، اسپانیا ۵۱۸، چکسلواکی ۴۳۶، سوئیس ۳۶۸، و لهستان ۳۳۵ موزه را دارا بوده است که در یک نگاه وجود و رونق این مراکز و مجموعه آثار آنها نشانگر رشد سریع و گسترش امر موزه داری در این راستا در نیمه دوم سده بیستم میلادی می باشد.

(ب) بعد داخلی:

عوامل و عناصر وابسته به شبکه های خارجی همگام با سیاستهای بین المللی شیوه غارت اموال فرهنگی و تخریب افکار و اعتقادات مذهبی مردم را طبق برنامه های از پیش طراحی شده پیگیری نمودند.

سنگ چهار گوش، آجر و نظایر آنها در زیر خاک و حواشی روستاها و دامنه های طبیعت نموده اند. متأسفانه این زمینه سازی ها بقدری ماهرانه و طبیعی طراحی می شود که حتی بسیاری از انسانهای پاک سزشت و شرافتمند و بی غرض را نیز به وسوسه و بدام سوداگری انداخته است، این امر باعث شد تا به طرز وحشتناکی در طول چند ساله اخیر به خصوص زمانی که کشور درگیر جنگ تحمیلی بود افرادی نیز با احساس دلسوزی و بقصد خدمت و کمک به دولت می خواستند باستخراج دفینه های واهی با اتکاء به چنین شواهدی برای تامین بنیه مالی کشور مبادرت نمایند غافل از اینکه دسیسه های صهیونیسم جهانی طی یک



تنگ، نقش قالب زده، با پوشش لاجوردی، کعبه دار، پشاور، سده پنجم هجری



کاشی هفت رنگ با نقش شاهنامه، سده سیزدهم هجری نهراد، موزه آنگین

انجام حفاریهای قاچاق به قصد کشف عتیقه توسط گروهی از مردم آگاه به مقررات ولی بیگانه با فرهنگ خود به سفارش مشتری مجموعه دار و عتیقه فروش که با تکیه بر جهل روستاییان و ناآگاهی و بیکاری پنهان بعد از برداشت محصول و درآمد سرانه بسیار پایین آنها تحقق می یابد یکی از شیوه های شناخته شده ایادی صهیونیسم است.

استکبار جهانی علاوه بر بدست آوردن آثار نفیس، بی میل نیست که اعتقاد و ایمان مردم را هم از آنان بگیرد و با کمرنگ کردن زمینه های اعتقادی و بی اعتنا نمودن آنان به ارزشهای مذهبی و سنتی خود زمینه اعمال سلطه گری خود را در پروسه های که امروزه می توان از آن به عنوان تهاجم فرهنگی یاد نمود بیش از پیش فراهم و جوامع باستانی را از ریشه های فرهنگی و تاریخی اصیل کاملاً جدا و موجب بی هویتی ملت های با فرهنگ از طریق تحمیل فرهنگهای مصرفی و تسلیم آنان در مقابل اندیشه های شوم خود گردد.

هم اکنون شواهدی در دست است که طی ۳۰ سال اخیر نسخه های جعلی روی کاغذهای قدیمی و پوست با خطوط نامفهوم ولی تصویری بنام گنج نامه و راهنمای دفینه را به مقدار بسیار زیاد و از روی برنامه منظم در نقاط مختلف پراکنده و بفروش رسانیده اند و برای جلب اعتماد و اطمینان خریداران این نسخه ها علاوه بر مهارت و استادی در انتخاب انسانهای خوش باور و ساده لوح و حتی خوشنام، اقدام به دفن مجسمه های فلزی ریخته گری جدید، ظروف سفالی و علایمی نظیر

برنامه دراز مدت در این برهه از زمان بار نشسته بود و از این طریق همه جای کشور زیرورو می شد طبیعی است با این همه کندو کاو در کشوری باستانی مانند ایران که در جای جای آن آثار استقرار و استمرار سکونت و حیات انسان حضور دارد برخورد با شواهد تاریخی و تمدنی و اشیاء به جای مانده از قرون و اعصار گذشته حتی بطور ناگهانی قابل پیش بینی و گاه دسترسی می باشد، که حاصل آن علاوه بر تخریب بنیادی محوطه ها و بناها و تپه های باستانی و تاریخی، تحصیل اشیایی بوده است که در بازار داخلی به دست مجموعه داران افتاده و پس از کشف ارزشهای آنها و انجام یک سلسله مراحل واسطه گری و دلالتی و دست به دست گشتن متعدد سرانجام راهی خارج از کشور می گردد.

فعالیت عملی عتیقه فروشان در بازارهای داخلی نظیر منوچهری تهران و منازل شخصی مجموعه داران و عدم نظارت و کنترل بر کار آنان موجب شده است، این سوداگران بی پروا به غارت اموال فرهنگی پرداخته و جسارت را بجایی رسانند که سارقین حرفه ای را به سرقت آثار نفیس موزه های کشور تشویق و ترغیب نمایند و از این راه موجبات تقلیل هزینه های سرسام آور باندهای حفاری قاچاق و کاهش امکانات سرمایه گذاری آنان را فراهم و هیچ مانعی بر سر راه خود احساس نمی کنند. پشت گرمی به حمایت بازارهای خارجی با امکانات و قدرت خرید مجموعه داران داخلی و از همه مهمتر انعکاس اخبار فروش فلان شیئی ایرانی یا فلان کتاب در حراجیهایی نظیر "کریستی" و "ساتبی" در



لندن و اعلام ارقام نجومی برای خرید آنها، از مهمترین انگیزه‌های قاچاق اموال فرهنگی به خارج از کشور می‌باشد.

مجموعه داران داخلی و عوامل واسطه‌گر دولان آنان بطرق مختلف و با توسل به شیوه‌های رذیله‌انه از قبیل تطمیع احتمالی مامورین، بهره‌گیری از امکانات دیپلماتیک، جاسازی و اختفاء، مجموعه‌های خود را به نحوی به خارج از کشور انتقال می‌دهند، کشورهای مقصد علی‌رغم مفاد کنوانسیونهای جهانی و بین‌المللی نه تنها مانع کار آنها نمی‌شوند بلکه تسهیلاتی نیز برای آنها قابل شده و از این فراتر با در اختیار گذاردن اماکنی به نام گالری و نمایشگاههای موقت، زمینه انتقال غیر قانونی مالکیت و فروش اینگونه اموال به ویژه آثار هنرمندان معاصر را فراهم می‌آورند.

طبقه‌بندی و شناسایی اموال فرهنگی

اموال فرهنگی را به لحاظ نحوه و تکنیک ساخت و نوع بهره‌وری و کاربرد در زندگی روزمره می‌توان به دو گونه تقسیم و طبقه‌بندی نمود:

(الف) جنس

(ب) کاربرد و عملکرد

(الف) جنس شامل: سنگ، سفال، فلز، شیشه، کاغذ، چوب، عاج، استخوان، قیر، پوست، پشم، الیاف و غیره ...

(ب) کاربرد و عملکرد شامل: ابزار و ادوات جنگی و شکار،

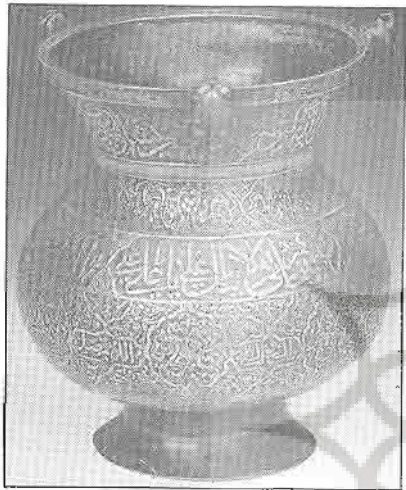
ابزار و اشیا تزئینی و زیور آلات، اشیا و ادوات اعتقادی و میتولوژیکی (اساطیری)، ابزار و ادوات تولید و کشاورزی، ابزار و ادوات علوم، فنون و کتابت، اشیا و ادوات پوشاک و مسکن، اشیا و ابزار مصرفی و ملزومات روزمره و غیره.

از آنجایی که در تناسب با اطلاعات داده شده در این سطور طبقه‌بندی "نوع الف" موضوعیت روشن‌تری می‌یابد و طبقه‌بندی "نوع ب" نیز نیاز به دانش فنی و تخصصی گسترده‌تری خواهد داشت لذا سعی بر این است تا به بررسی و بیان اجمالی طبقه‌بندی بخشی از اموال فرهنگی به لحاظ "جنس" بپردازیم:

سنگ: اولین عنصر و موادی که به طور طبیعی در پیرامون انسان یافت و قابل دسترسی و استفاده سریع بوده است سنگ می‌باشد بشر نخستین از مرحله شکارورزی و غار نشینی تا زمان استقرار در دهکده و شروع زندگی یکجا نشینی از این ماده به صورتهای نتراشیده و سپس با شیوه‌های تراش و پرداخت به گونه‌های ابزار در اشکال و انواع مختلف با بهره‌گیری از سنگهای معدنی و رودخانه‌ای و رسوبی نظیر "چخماق" و اوسیدین " دوره‌ای را از تاریخ بشری بنام فرهنگ خورده سنگی به خود اختصاص داده است ظواهر و آثار این فرهنگ در هیأت ابزار سنگی در ایران از حدود یکصد هزار سال پیش با تولید تبرهای دستی "آشولین" و همینطور در تداوم آن ابزار و ادوات مربوط به فرهنگهای معروف و شناخته شده بنامهای "موسترین"، "برادوستین" و "زارزین" در نقاط مختلف کشور به ویژه هلیلان لرستان، جنوب کرمانشاه، دره‌ها و

غارهای خرم‌آباد و دشت دهلران و غارهای بیستون کرمانشاه و قوری قلعه روانسر و شانیدره کردستان و حوزه بلوچستان ایران که بین ۴۴ تا ۱۰ هزار سال پیش قدمت دارند یافت گردیده و نیز در دوره‌های بعد، از ظروف سنگی نظیر ظروف مکشوفه از حفاری علمی شهرداد کرمان (دشت لوت) و مهرهای استامپی و استوانه‌ای و مهره‌های تزئینی در اشکال و فرمهای مختلف استفاده نمود و بر روی صخره‌های طبیعی و قطعات سنگی صخره‌ها و تصاویر مختلفی حجاری گردیده است.

سفال: استفاده از ماده گل و انتخاب نوع ویژه‌ای از آن که دارای مقاومت بیشتر و یکدست باشد لاقبل به حدود ده هزار سال پیش می‌رسد، بشر

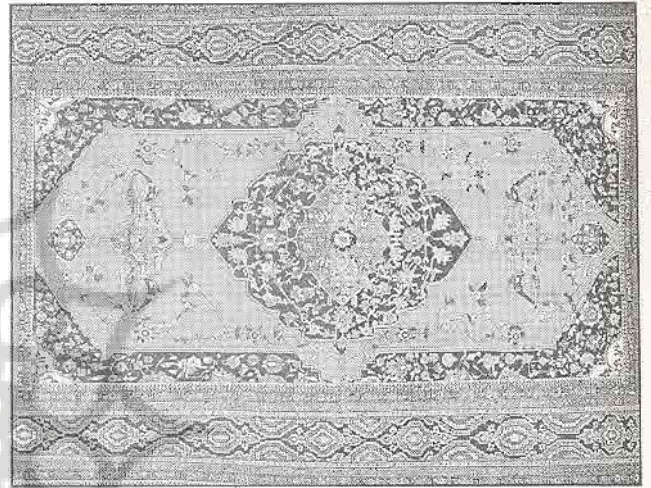


برای رفع نیازهای روزمره و تسهیلات زندگی به خصوص مصرف مواد غذایی و آشامیدنی و حتی جمع‌آوری و نگهداری آنها نیازمند تهیه ظروف با حجم‌ها و فرم‌های متفاوت بوده و در این رهگذر شناخت عنصر گل و نهایتاً آشنایی با خاک رس زمینه رفع نیاز را فراهم و وارد مرحله‌ای از تحول و تکامل بنام عصر سفال گردید.

اولین گامهای استفاده از سفال به صورت ابتدایی و دست ساز و خشن و ساده و حتی در خیلی موارد بادانه‌های شن و گاه نیز شکل گرفته است به تدریج با درک ضرورت توسعه در امر تولید و دسترسی به اشکال گوناگون ظروف و انتخاب نوع ویژه‌ای از گل به لحاظ مقاومت و ایجاد زمینه مناسب برای پرداخت، از گل رس استفاده و در ابتدا با حرارت آفتاب و سپس در کنار اجاق با مجاورت آتش خمیره آنها نیمه پخت و ورز داده می‌شد که بمرور دارای مقاومت بیشتر می‌شدند، تجربه افزایش مقاومت ظروف در اثر "حرارت" مقدمات ایجاد پدیده‌های جدید برای تحقق این مورد فراهم نمود و بشر جستجوگر در صدد رفع این نقیصه برآمد که در این رهگذر و تا حدودی همزمان به دو پدیده صنعتی و تولید بنام "کوره" و "چرخ سفالگری" دست یافت ظروف ابتدایی جای خود را به ظروف "چرخ ساز" داد ولی روش تولید با دست نیز در خیلی مناطق بهمان شیوه‌های اولیه "دست ساز" استمرار داشت بهر حال ظروف ساده با خمیره‌های نخودی و قرمز رنگ در شیوه‌های مختلف و متنوع تولید و با پختن در کوره بر مقاومت آنها افزوده و در

مراحل بعدی برای ارضای حس زیبایی پرستی و ایجاد تفنن، متناسب با محیط اطرافش با الهام از عناصر گیاهی و حیوانی و عوارض طبیعی پیرامون خود موفق به ایجاد نقوش تزیینی بشیوه‌های حرکت با خطوط در جهت‌های گوناگون بر روی بدنه ظروف گردید که می‌توان به فرمها و اشکال دندانه دار، شانهای، مثلث، مربع، لوزی، در وضعیت ردیفهای موازی و متقاطع و خطوط و باندهای پهن مواج به صورت عمودی و افقی با رنگ‌های سیاه و قهوه‌ای و آخرباری برزمینه نخودی و قرمز رنگ ظروف اشاره نمود و مراحل تازه‌ای در تولید و عرضه اینگونه اشیاء سفالین و مصرفی پدید آمد که در مراحل پیشرفته‌تر، از نقوش تزیینی

آن، محموله‌های آن زمان را لاک و مهر می‌کردند و سپس با اختراع خط در حدود ۵۵۰۰ سال پیش و ایجاد نوعی از مهرها به صورت لوله‌ای و استوانه‌ای کار غلطانیدن نقوش آنها بر سطح صاف گل و ایجاد زمینه مناسب، انتقال نقوش کامل بدنه مهرهای باصطلاح سیلندری به مراتب ساده‌تر و بیان روشن‌تری را از مفاهیم و مقصود صادر کننده از ارسال کالا برای طرف مقابل به‌مراه داشت که در واقع این پدیده را اصطلاحاً "آثر مهر" می‌نامند و در کاوشهای علمی باستان‌شناسی نمونه‌هایی از آنها در لایه‌های استقرار همراه و همزمان با سایر اسناد و مدارک و اشیاء یافت شده به دست آمده‌اند.



فرش ساروق، نمونک تریج، اوایل سده، سیزدهم هجری، سوزده فرش



فرش سلاطین و شاهان، ۱۳۳۷ هجری، سوزده فرش

نه تنها بلحاظ زیبایی استفاده نشد بلکه با القاء مفهوم و بیان مشترک بدانها، نقش پیام رسانی و نوعی زبان تصویری بخود گرفت که در مراحل مبادلاتی و مراودات با جوامع همجوار و حتی دور دست بعنوان انتقال دهنده مفاهیم ارزشی بین آنها مبادله می‌گردید.

بالاخره استعداد، خلاقیت و ذوق و سلیقه بشر دامنه تولید و استفاده از این پدیده مورد نیاز جامعه را با حس زیبایی و ذائقه و تفنن و تنوع و تجمل پرستی و نیز خلق آثار نمادی و اعتقادی گسترش و ترویج داد و پاره‌ای از ظروف جنبه‌های تشریفاتی و مجلس آرای به خود گرفت که می‌توان به مشربها و یا ریتون‌های سفالی در حدود سه هزار سال پیش که با اشکال مجسمه سرخیوان تزیین شده بودند اشاره داشت لیوانهای سفالی معروف به دوره شوش یک (الف) که به لحاظ پخت در کوره و کنترل درجه حرارت و ظرافت تا مرز شیشه پیش رفته و با نقوش بزکوهی بنحوی که تمام بدنه کشیده ظرف را با جسارت در القاء نقش هندسی آن در بر گرفته است می‌تواند اوج پختگی - پیشرفت و زیبایی ظروف سفالین در جهان باستان با قدمتی حدود ۷۰۰۰ تا ۶۵۰۰ سال پیش در حوزه خوزستان ایران بشمار آید، از عنصر گل برای تهیه مهرهای مسطح یا استامپی و نیز بهره برداری از نقوش مهرهای مذکور در انواع مختلف بمنظور تضمین امنیت تجارت و مصونیت ارسال محموله‌ها بمناطق دیگر از حدود هشت هزار سال قبل استفاده شده و با فشردن نقوش مهر بر روی گل نرم و انتقال نقش مهر صاحب کالا بر روی

فلز: کشف و بهره‌گیری از فلز عمری هشت هزار ساله دارد. در ابتدا انسان از مواد خام موجود در پیرامونش برای ساخت ابزار و لوازم مورد نیاز زندگی‌ش سود می‌جست، با پیشرفت تکنولوژی و شناخت محیط زیست، انسان توانست بمنابع جدیدی دست یابد. مس اولین فلزی بود که انسان به کشف آن توفیق یافت مدارک باستان‌شناسی نشان می‌دهد، یکی از اولین نقاطی که به تولید و مصرف مس پرداختند مردمان ساکن در محوطه باستانی "علی‌کش" واقع در دهلران (استان ایلام) بودند، پژوهشگران همچنین محوطه "کویونجیک" واقع در شرق ترکیه که تاریخی حدود ۷ تا ۶ هزار سال قبل از میلاد دارد از خاستگاه‌های فلز مس دانسته‌اند. از آنجاییکه مس فلزی نرم و قابل انطباق و شکننده است و برای ساخت انواع ابزار و وسایل زندگی نمی‌تواند قابل استفاده باشد، آن را با نسبت کمی از "آنتیموان" و "قلع" مخلوط کرده آلیاژ مفرغ (برنز) را از آن بوجود آورده‌اند. بدرستی تاریخ و مکان پیدایش مفرغ آشکار نیست، ولی از اواخر هزاره چهارم قبل از میلاد تولید و مصرف آن تقریباً عمومیت یافته بود. در هزاره سوم قبل از میلاد این آلیاژ کاربرد فراوان داشته است و بهمین دلیل پژوهشگران نام این دوره را "مفرغ" نهاده‌اند استفاده از مس و ظروف و اشیاء مسی در مناطقی نظیر تپه یحیی و تل ابلیس کرمان و نیز دشت لوت (شهداد و منطقه خبیص) از هزاره پنجم و چهارم قبل از میلاد یعنی حدود ۷ تا ۶ هزار سال پیش کاملاً رایج بوده و بی‌جهت نیست که در عصر حاضر با

معادن عظیم این ماده و فلز طبیعی در حوزه کرمان به نام «معادن مس سرچشمه» مواجه هستیم در بین آثار عرضه شده از مفرغ، آثار مفرغی لرستان جایگاه ویژه‌ای دارند پژوهندگانی که این آثار را مورد مطالعه قرار داده‌اند، نظرات گوناگونی درباره حدود گسترش و زمان ساخت آنها ذکر کرده‌اند. بسیاری اواخر نیمه نخست هزاره سوم قبل از میلاد را برای مفرغهای لرستان پیشنهاد کرده‌اند. بررسی مفرغهای لرستان از دیدگاههای هنری، مذهبی و اعتقادی مردمان آن دوره و روش ساخت مورد نظر قرار گرفته است.

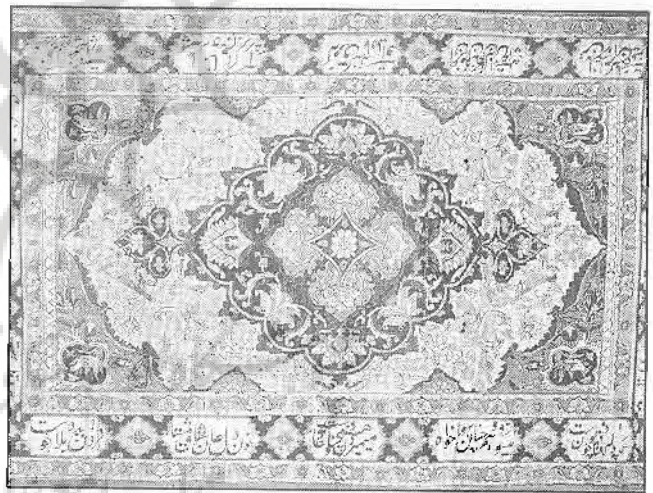
شیشه: از دیر باز انسان به منظور آراستگی و زیبایی به ساخت انواع اشیاء تزئینی با استفاده از مواد طبیعی محیط زیست خود پرداخته است، وی در این راه از ذهن پویای خویش بهره گرفته و به ابداع و کشف مواد گوناگون نایل آمده است، شیشه نیز از جمله موادی است که مورد شناسایی و استفاده وی در زمینه‌های مختلف مصرفی و تزئینی قرار گرفته است.

۱ شیشه ماده‌ایست بی‌شکل (آمورف) که از سیلیس (ماده اصلی)، مواد گدازآور (مثل سدیم و پتاسیم)، مواد رنگساز (اکسیدهای فلزی) و پاره‌ای ترکیبات دیگر که به جهت انسجام و شفافیت و غیره افزوده می‌شود تشکیل شده است. مخلوط فوق را ابتدا ذوب و سپس بتدریج سرد می‌کنند تا منجمد شود.

ظروف مختلف می‌باشند در دوره هخامنشی (۳۳۰-۵۵۰ قبل از میلاد) در تخت جمشید آثار مختلفی از شیشه کشف شد که شامل قطعاتی از ظروف و تعدادی مهره می‌باشد. بنظر می‌رسد که آثار یافته شده شیشه‌ای از دوره سلوکیان نمی‌تواند بعنوان ساخته‌های ایرانی مورد بحث قرار گیرد.

در اواسط دوره اشکانی پیش یا بعد از ظهور حضرت مسیح (ع) فن دمیدن در شیشه توسط صنعتگران سوری ابداع شد. این فن، انقلابی در صنعت شیشه‌گری جهان ایجاد کرد. پیش از ابداع این فن ساخت شیشه با استفاده از روشهایی چون «قالب گلی»، «تراش و سیقل» و «فشردن در قالب» انجام می‌گرفت. فن دمیدن به صنعتگران امکان داد تا شیشه را با بهره‌گیری از شیوه‌های «دمیده آزاد» و «دمیده در قالب» نیز ایجاد کنند.

همچنین به شیشه‌گر امکان داد تا به تراش روی شیشه و استفاده از قالبهای نقش دار نیز توجه نشان دهد. با ظهور اسلام صنعت شیشه‌گری گسترش بیشتری یافته و تحولی در شیوه ساخت و تزئین در ایران بوجود آورد. صنعتگران ایرانی علاوه بر استفاده از روشهای سنتی و اجدادی خویش، جهت تزئین آثار شیشه‌ای از رشتها و مدالهای افزوده که پیش از اسلام به ندرت مرسوم بود نیز بهره گرفتند. ظروف شیشه‌ای زرین فام، زراندود و مینایی نیز مربوط به همین دوران است.



نقش لپک تزیین قرون ۱۳ ه. ق. موزه فرش

کشفیات باستان شناسی که تاکنون انجام گرفته تاریخچه‌ای قدیمی‌تر از اواخر دوره اشکانی و یا اوایل ساسانی برای ساخت شیشه در ایران به دست نمی‌دهد. تنها نمونه‌هایی از آثار شیشه‌ای پیش از دوران یاد شده در ایران کشف شده است و به دلیل همین محدودیت، تعیین مکان ساخت این آثار غیر ممکن است آثار به دست آمده از مناطقی چون مارلیک و دیلمان (در شمال) حسنلو لرستان (در غرب) و شوش و چغازنبیل (در خوزستان) تعلق به اواخر هزاره دوم تا اوایل هزاره اول قبل از میلاد دارند.

این آثار شامل انواع مهرهای استوانه‌ای، مهرهای الوان و قطعات

همان طوری که ذکر شد شیشه در ساخت اشیاء مختلف تزئینی به ویژه مهرهای الوان کاربرد داشته است مهرها یکی از ساده‌ترین این اشیاء تزئینی است. این مهرها در محوطه‌های باستانی پیش از تاریخ و قرون اسلامی یافت شده است. اشکال مهرهای ساخته شده با الهام از نقوش طبیعی به ویژه سنگها به وجود آمده است. انسان روشهای متفاوتی در ساخت و تزئین مهرهای شیشه‌ای بکار بسته است.

برای تولید مهرهای ساده دو شیوه اصلی موجود است:

۱- شیشه مذاب را در قالبهایی به اندازه مورد نظر ریخته و آن را می‌فشارند تا شیشه شکل قالب را به خود بگیرد.

۲- شیشه مذاب را بدور مغزی باریک استوانه‌های شکل به اندازه سوراخ مهره می‌پیچند و سپس ماده مذاب را در مقاطع دلخواه فشرده و می‌برند. حجم‌های حاصل از این عمل به صورت کروی، تخم مرغی، استوانه‌های و دوکی و غیره خواهد بود.

خط و کتابت: انسان پس از طی مراحل طولانی زندگی سرانجام روش بیان اندیشه‌های ذهنی خویش را با اختراع علایم و تصاویر آغاز نمود و به تدریج به مفهوم عدد و هندسه پی‌برد و آنها را برای انتقال مفاهیم به کار گرفت. این گونه علایم بر روی سفالینه‌های یافته شده از محوطه‌های باستانی به فراوانی مشاهده شده است.

با گسترش جوامع انسانی و توسعه روابط تجاری این علایم به تدریج تغییر و تکامل یافتند و شیوه‌های گوناگونی از ترکیبات هندسی و تصویری برای انتقال اندیشه به دیگری به وجود آمد.

خطوط پروتوایلامی، هیروگلیف و خط میخی شکل گرفتند و فنیقی‌ها با استفاده از تجارب دیگر جوامع، خط الفبایی را پی‌ریزی کردند که باعث دگرگونی در روابط انسانها شد. آرامیان در هزاره دوم قبل از میلاد الفبایی فنیقی‌ها را تحول بخشیده و خط آرامی از آن به وجود آمد.

در طلوع اسلام شیوه‌های گوناگونی از نگارش الفبا وجود داشت که ریشه در خطوط آرامی داشت کاتبان وحی خط کوفی رایج در شهر کوفه را برای نگارش کلام خدا برگزیدند، کتابت و کتاب خوانی رواج یافت. در این رهگذر هنر جلد سازی که نمونه آن جلدهای "ضربی" و "سوخت" می‌باشد، پدید آمد.

یاقوت بزرگترین خطاط سده هفتم هجری قمری روش جدیدی برای تراشیدن قلم ابداع کرد و کتابهایی در مزایا و انواع قلمها به رشته تحریر در آمد.

کاغذ در قرن دوم هجری قمری از طریق چین به قلمرو ممالک اسلامی راه یافت و پس از چندی انواع آن در شهرهای مختلف اسلامی تولید شد.

قلمدان جعبه ایست که در قدیم آن را از برنج و مفرغ می‌ساختند. بعدها قلمدان چوبی و در قرون متأخر قلمدان از مقوای فشرده نیز معمول شد.

قلمدان سازی در عهد قاجاریه به مناسبت استفاده تزئینی از مینیاتور و رنگ و روغن اهمیت شایان توجهی یافت.

تمامی عوامل و ابزار یاد شده و از همه مهمتر قریحه و ذوق زیباشناسی هنرمندان مسلمان به ویژه ایرانیان باعث شد که امر کتابت به عنوان هنری پرارزش مطرح و در بین دیگر هنرها شاخص شود.

گسترش و پیچیدگی جوامع بشری، ضرورت تولید و توزیع و تقسیم کار و برقراری شیوه‌های مراودات و مبادلات به ویژه مناسبات اقتصادی و تجاری دانش بشری را اضطراراً در معرض رشد و تحول و تعالی قرار داد.

و به تناسب نیازها و شناخت مواد و مصالح و امکانات پیرامون خود

موفق به اختراعات و اکتشافات قابل توجه گردیده و در این رهگذر از سایر مواد کانی و معدنی و حیوانی و گیاهی در جهت عرضه خلاقیت‌ها و ایجاد عرصه مناسب برای هنرنمایی و بروز استعدادهای خود بهره جسته و از موادی نظیر قیر، عاج، استخوان چوب و مواد سلولزی و الیاف گیاهان استفاده و از این طریق قادر به ساخت و آرایه اشیاء و ملزومات مصرفی و هنری و رفع نیازهای روزمره خود گردیده است.

امروز بخش عمده‌ای از نمونه‌های منحصر به فرد قالی و فرش و پارچه و منسوجات تاریخی جهان را دست یافتها و دست ساخته‌های هنرمندان این مرز و بوم تشکیل داده که موجب مباهات و افتخار می‌باشند.

مآخذ

- ۱- نگاهی به نمایشگاه برگزیده‌ای از آثار فرهنگی باز یافته از انتشارات مرکز میراث فرهنگی استان تهران - بهمن ماه ۱۳۶۸
- ۲- مجموعه دستورالعمل‌ها و اقدامات حفاظتی میراث فرهنگی تهیه شده توسط همکار محترم آقای منوچهر کلانتری - سال ۱۳۶۶ (بخشنامه معاونت حفظ و احیاء سازمان میراث فرهنگی کشور به واحدهای تابعه)
- ۳- مقاله "بررسی، علل و انگیزه‌های گسترش قاچاق اموال فرهنگی - تاریخی و اثرات فرهنگی اقتصادی آن". نوشته همکار محترم آقای فائق توحیدی - تهران ۱۳۶۹
- ۴- جزوه: "از ثروت‌های فرهنگی کشور پاسداری کنیم" بمناسبت اولین سمینار سراسری دوایر مبارزه با قاچاق کمیته‌های انقلاب اسلامی - تهران دیماه ۱۳۶۶ تهیه شده توسط معاونت حفظ و احیاء سازمان میراث فرهنگی کشور.
- ۵- مجموعه قوانین و مقررات و آئین‌نامه‌ها - بخشنامه‌ها و معاهدات میراث فرهنگی کشور، انتشارات دفتر امور حقوقی و بین‌المللی سازمان میراث فرهنگی کشور، چاپ اول، زمستان ۱۳۶۸.

در زمینه مطالب علمی - تخصصی مقاله به منابع زیر مراجعه شود:

- ۱- شیشه ایرانی، تألیف شینجی فوکائی، برگردان آرمان شیشه‌گر، انتشارات میراث فرهنگی استان تهران، چاپ اول، سال ۱۳۷۱.
- ۲- ظریف فلزی مارلیک، تألیف دکتر عزت‌الله نگهبان، انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور، چاپ اول: سال ۱۳۶۸.
- ۳- هنر سفالگری دوره اسلامی ایران، تألیف فاطمه کریمی، دکتر محمدیوسف کیانی، انتشارات مرکز باستان‌شناسی ایران، چاپ اول، تابستان ۱۳۶۴.
- ۴- معرفی هنر کتیبه‌های عربی در ایران، به قلم یوسف غلام، نشریه شماره ۲۵ دانشگاه شیراز.

